تیتر یک

هشدار مجدد درباره کاهش رشد علمی

ادامه از صفحه اول

«اهمیت دیپلماسی علمی» توصیه دیگری بود که رهبر انقلاب اسلامی بیان و در عین حال تأکید کردند: دیپلماسی و ارتباطات علمی مهم است و با آن موافق هستیم اما باید هوشیار باشیم که فریب نخوریم و بستر ارتباطات علمی به دریچه‌ای برای نفوذ امنیتی تبدیل نشود، زیرا دشمن از هر وسیله‌ای از جمله ارتباطات علمی برای نفوذ استفاده می‌کند و این اتفاق در گذشته اتفاق افتاده است و اکنون نیز در مواردی دیده می‌شود. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود، اقتصاد مقاومتی را زمینه ساز عزت ملی و گره گشای نیازهای فعلی دانستند و گفتند: برخی می گویند با تأکید های مکرر بر عـزت ملی، چگونه می خواهید نیازها و مشکلات فعلی جامعه را برطرف کنید که در پاسخ باید گفت: تنها راه علاج، اجرای واقعی و صحیح سیاستهای اقتصاد مقاومتی است. «اهمیت و اصل دانستن کار فرهنگی در دانشگاهها» توصیه بعدی رهبر انقلاب اسلامی بود. ایشان افزودند: البته کار فرهنگی به معنای برگزاری کنسرت و یا حرکات موزون در دانشگاهها نیست، بلکه مسئولان باید میدان را برای دانشـجویان و اساتید ارزشی باز، و ذهنها را با فرهنگ اسلامی و انقلابی آشنا کنند. حضرت آیـت الله خامنه‌ای همچنین خطاب به اسـاتید انقلابی به عنـوان فرماندهان جنگ نرم و دانشـجویان انقلابی به عنوان افسـران جنگ نرم تأکید کردند: وظیفه شـما نیز نقش آفرینی واقعی و جدی است زیرا شدت جنگ نرم دشمن نسبت به سال های گذشته چند برابر شده است. «پرهیز از حضور و به‌کارگیری عناصر نامطمئن در دانشـگاهها» توصیه دیگری بود که رهبر انقلاب اسـلامی بر آن تأکید و خاطرنشان کردند: کسی که به هر بهانه‌ای مانند انتخابات و امثال آن، نظام را به چالش می‌کشد، نامطمئن است و صلاحیت حضور در دانشگاهها را ندارد، همانگونه که هیچ کشـوری اجازه به چالش کشیدن نظام حاکم بر آن، را نمی‌دهـد. در ابتدای این دیدار جمعی از اسـاتید، صاحبنظران و متخصصـان حوزه های علوم مهندسـی، علوم پزشکی و علوم انسانی در سخنانی پیشـنهادها و نظرات خود را در مسائل مختلف بیان کردند. در پایان این دیدار اسـاتید دانشـگاهها نماز مغرب و عشـا را به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی اقامه و روزه خود را به همراه ایشان افطار کردند.

سرنوشت نامعلوم راه‌اندازی خط ریلی کلانشهر کرج

سوت قطار کرج کی به گوش می‌رسد؟

در حالی ۱۰ سال از زمان کلنگ‌زنی پروژه قطار شـهری کرج می‌گذرد که شـهرداری در فکر تعویض پیمانکار و پیمانکار در راه دادگاه است و شهروندان کرجی همچنـان رویـای افتتاح این پروژه را در سر می‌پرورانند. طبق اعلام شـهرداری کرج پروژه قطار شـهری باید در سال ۱۳۸۹ به ایستگاه پایانی می‌رسید و دل بسیاری از کرجی‌ها را از نگرانی درمی‌آورد؛ شـهروندانی که ساعت‌ها در صف‌های طولانی ترافیک گرفتارند و برای رسیدن قطار شهری کرج به سرمنزل مقصود دست دعا به آسمان برداشته‌اند. از سال ۸۹ تاکنون ۶ سال می‌گذرد و خبری از صدای بوق قطار شهری نیست چه برسد به خود قطار، در این میان نیز هر مسؤولی که برای مدتی دستی بر آتش داشته است وعده‌هایی داده که به واقع از پس آن برنیامده است که اگر برمی‌آمدند پای این پروژه به کمیته حمایت قضایی از سرمایه‌گذاری باز نمی‌شد. ۸ اردیبهشت ماه سـال جاری بود که پای پروژه قطار شهری کرج به کمیته حمایت قضایی از سرمایه‌گذاری کشیده شد و در این کمیته شهرداری کرج و پیمانکار این پروژه با ارائه مستندات به ارائه دلایل خود برای توقف پروژه پرداختند. احمد فاضلیان، رئیس کل دادگسـتری اسـتان البرز در این جلسـه که به منظور بررسـی مشـکل توقف احداث متروی شهری کرج به همت «کمیته حمایت قضایی از سرمایه‌گذاری» برگزار شد با اشاره به اینکه ورود به این موضوع وظیفه دستگاه قضایی نیسـت و باید مراجع دیگری برای حل این مشکل ورود پیدا کنند، گفت: با توجه به دغدغه حل مشـکلات مردم کرج که در دستگاه قضایی استان وجود دارد تصمیم گرفتیم این موضوع را در کمیته، طرح و بررسی کنیم. وی افزود: هدف از برگزاری این جلسه رسیدن به یک نتیجه یا حل اختلاف نیست بلکه می‌خواهیم با نگاه علت‌یابی، به ریشه این مشکل بین شهرداری کرج و پیمانکار برسیم و اقناع شویم که آیا توقف این پروژه صحیح و مقرون به صرفه بوده اسـت یا ادامه آن می‌تواند به حل معضل کلانشهر کرج کمک کند. وی بـا تاکید بر اینکه پروژه قطار شـهری کرج یکی از طرح‌های بزرگ و ملی است، تصریح کرد: متاسفانه در این پروژه وقفه ایجاد شده و مردم نمی‌توانند از مزایای این طرح بهره‌مند شوند که ضروری است دلسوزان به این موضوع ورود کنند. رئیس کل دادگسـتری استان البرز در نظر گرفتن مصالح عمومی در موضوع قطار شهری کرج را یک ضرورت دانسـت و گفت: دسـتگاه قضایی استان، نظر خاصی نسـبت به هیچ یک از طرفین ندارد و موضعی کاملا مستقل دارد؛ بلکه می‌خواهیم شرایط کنونی ادامه نداشـته باشد چون با ادامه روند فعلی تنها مردم متضرر خواهند شد. وی با توصیه طرفین به خویشـتنداری و در نظر گفتن مصالح مردم که زمینه‌سـاز عزتمندی برای مدعیان در پروژه قطار شـهری کرج است، تصریح کرد: هرچه این طرح‌ها سـریع‌تر به بهره‌برداری برسند به نفع مردم بوده و جزو باقیات صالحات اسـت. حاجی‌رضا شاکرمی، دادستان مرکز استان البرز در جلسه یاد شده گفته بود: قطار شهری جزو ضروریات در شهر کرج است که رشد لازم را نداشته و شهردار و پیمانکار ادعاهایی دارند که دستگاه قضایی مترصد است از اختلافات یا قصور احتمالی پیشگیری کند. وی با توضیح اینکه این قرارداد براساس ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان ابطال شـده اسـت، تصریح کرد: هدف این جلسه حل اختلاف نیست بلکه زمینه‌سازی برای بررسی کارشناسـی و ارائه راهکار برای شـروع پروژه است؛ موضوع قطار شـهری یکی از موضوعات مطرح در حوزه حقوق عمومی است که بر این اساس کمیته تصمیم گرفته بر این موضوع ورود داشـته باشـد. فی‌الواقع باید گفت داسـتان غم‌انگیز قطار شهری کرج چندی است نقل محافل شده و برخی منتقدان معتقدند توقف این پروژه و تعویض پیمانکار خسارت قابل توجهی را متوجه شهر و شهروندانی کرده است که چشم امید به افتتاح این پروژه دارند و از معضل ترافیک به تنگ آمده‌اند.

هیربد معصومی، معـاون وقت هماهنگی امور عمرانی اسـتاندار البرز ۱۴ دی‌ماه سال گذشته در پاسخ به پرسش مهر مبنی بر اینکه آیا دولت تمایل به ادامه کار با پیمانکار فعلی پروژه قطار شـهری کرج را دارد یا خیر؟ اظهار کرده بود: تمایل دولت به اتمام این پروژه مهم در کلانشـهر کرج اسـت، اگر برای به سـرانجام رسیدن پروژه نیاز به تغییر پیمانکار فعلی باشـد این کار انجام خواهد شد.اما ۱۲ دی‌ماه سـال گذشته بود که در رسانه‌ها خبر ابلاغ فسـخ قـرارداد پیمانکار خط ۲ قطار شـهری کرج از سـوی سازمان قطار شهری کرج و حومه منتشر شد؛ خبری که پس از ۱۰ سال مانند آب پاکی بود که روی دسـتان کرجی‌ها ریخته شـد تا دوباره چشـم به افق بدوزند و برای این پرسـش که قطار شهری کی به ایستگاه افتتاح می‌رسد به دنبال پاسـخ باشـند. تا سال ۸۹ باید حداقل ۷ ایسـتگاه قطار شهری کرج افتتاح می‌شـد و نشـده است. ضرر و زیانی که شـهر و شـهروندان از ادامـه این روند متحمل شـده‌اند چنان زیاد است که معاون هماهنگی امور عمرانی اسـتانداری البرز هشتم اردیبهشت ماه نیز به این مهم اذعان داشته و در گفت‌وگو با مهر گفته بود: روند کُند این پروژه ضرر هنگفتی به شهر تحمیل کرده است که در این زمینه همه ما مسؤول هستیم. علی ترکاشوند، شهردار کرج نیز در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به آخرین وضعیت پیمانکار این پروژه که در حال متر کردن راهروهای دادگاه است، اظهار کرد: برابر مصوبه شورای شهر پیگیری لازم برای تعیین تکلیف پیمانکار پروژه قطار شهری در حال انجام است. ترکاشوند در ادامه با تاکید بر اینکه مدیرعامل شرکت سابیر (پیمانکار پروژه قطار شهری کرج) در جلسه‌ای که تاریخ آن توسط این شرکت مشخص شـده بود، حضور نیافت، گفت: در این جلسـه که به اصرار معاون هماهنگی امور عمرانی اسـتانداری البرز و با حضور ناظران شورا در سازمان قطار شهری تشکیل شد همه حاظران مصمم شـدند برابر ابلاغیـه، روند قطع همکاری شرکت سابیر به انجام برسد.

شهردار کرج در ادامه به جلسه‌ای در دفتر رئیس کل دادگستری استان که اواخر اردیبهشت ماه سال جاری تشـکیل شد، اشاره کرد و گفت: رئیس کل دادگسـتری طی صدور ابلاغیه‌ای از شرکت سابیر خواسته اسـت بنابر قرارداد گذشته یکصدمیلیارد تومـان ظرف مدت ۳ ماه برای پیشـرفت فیزیکی پروژه هزینه کند.

یادداشت امروز

پرسشی از اندرونی دولت آقای روحانی

ادامه از صفحه اول

در داخل ایران، تغییر محاسـبه در حوزه‌های غیر هسـته‌ای مرتبط با امنیت ملی، به اصطلاح برجام‌های بیشتر خوانده شده است. دولت آمریکا بـرای تولید برجام‌های بیشـتر ۲ راه داشـت؛ راه نخسـت آن بود که به برجـام ۱ چنان عمل کند که برجام به یک مدل محبوب در ایران بدل شده و سـرایت آن به سـایر حوزه‌ها از سر رغبت انجام شود. به دلایلی که این نوشته جای بحث آن نیست آمریکایی‌ها این راه را طی نکردند. راهی که اکنون دولت آمریکا می‌پیماید گـروگان گرفتن مواهب حداقلـی برجام ۱ برای تولید برجام‌های بیشـتر است و پیش‌فرض این فرآیند هم این است که این گروگانگیری را تا زمان حصول آخرین عقب‌نشینی از سوی غربگرایان ایرانی می‌توان ادامه داد.

سـوالی که دولت آقای روحانی بسیار شفاف و ساده باید از خود بپرسد این است: در کدام حوزه از حوزه‌های مورد نگرانی آمریکا آماده تغییر محاسبه است؟ و اگر عمل آمریکا به تعهداتش طبق برجام حقیقتا در گرو تغییرات محاسباتی بیشتر از سوی ایران باشد، چه گزینه‌های واقعی روی میز هست؟

در حـوزه داخلی، تغییر محاسـباتی مدنظر آمریکا سـپردن کشور به دست کسانی است که دفعه قبلی کـه اجازه نقش‌آفرینـی در آن پیدا کردنـد، مملکت را تا آسـتانه یک جنگ داخلی پیـش بردنـد. آمریکایی‌ها در این بـاره به اندازه کافی شفاف هستند که آزادی عمل کامل جریان فتنه یکی از شروط آنها برای ایجاد حداقل مقدار تغییر در رفتارهای‌شان است. در حوزه منطقه‌ای اگر بخواهیم صریح باشیم، تغییر محاسبه مدنظر آمریکا تسلیم کامل ایران مقابل عربستان سعودی و اسرائیل است. این لب لباب همه درخواست‌هایی است که در حوزه منطقه‌ای از ایران می‌شود بدون اینکـه بخواهیم موضوع را بیـش از حد پیچیده کنیم. در حـوزه فناوری دفاعـی، تبدیل کردن ایران به یک کشـور بی‌دندان، هدفی اسـت که آمریکایی‌هـا به دنبال آن می‌گردند. همانطور که «استفان هادلی»، مشاور امنیت ملی جورج بوش زمانی گفته بود، در این راهبرد، هدف این نیست که ایران قدرت دفاعی نداشته باشد بلکه هدف این است که وقتی آمریکا تصمیم گرفت چیزی را به آن تحمیل کند این قدرت دفاعی به کارش نیاید.

دولت آقای روحانی می‌تواند و شـاید هم لازم اسـت همچنان وزیر امور خارجه خود را این سـو و آن سو به دنبال راضی کردن جان کری بفرستد ولی آنچه باید در خلوت به آن بیندیشد این است که واقعـا در کدام حوزه‌هـا می‌خواهد و می‌تواند تغییر محاسبه بدهد تا در چشمه خشکیده تعلیق تحریم‌هـا آبی بیفتـد. حتی اگر دولـت بخواهد، ایجاد تغییر محاسباتی در بسیاری از این حوزه‌ها غیرممکن اسـت از جمله به ایـن دلیل که افکار عمومـی نه‌تنهـا در قبال این حوزه‌هـا در موضع «دوقطبی انکاری» به سر نمی‌برد بلکه سرسختانه هوادار سیاستی است که فی‌المثل اکنون نظام در حوزه منطقه‌ای در پیش گرفته است بنابراین اگر کسـی تصور کند می‌تواند با نشان دادن دورنمای تغییـر محاسـباتی در ایـن حوزه‌هـا اندکی دل آمریکایی‌ها را نرم کند، باید بداند در حال ریسک بر سـر آینده سیاسی خود پیش چشم ملت ایران است. این یک مرور ساده بر وضعیتی است که در آن قرار داریم. سـوال‌ها سـاده است اما پاسخ‌های آسانی وجود ندارد. اگر تبدیل کردن تعلیق حقوقی تحریم‌هـا به تعلیق حقیقی فقط از مسـیر تغییر محاسباتی ایران عبور کند، این مسیر مسدود است اما اگر راه دیگری وجود داشـته باشـد- که وجود دارد- ظاهرا دولت ناچار اسـت دیر یـا زود به آن ملحق شود.

نگاه امروز

شریعتی و میراث روشنفکری متعهد

ادامه از صفحه اول

... از اصلاح‌طلبـان، انتقادی که به دکتر وارد می‌کنند این اسـت که اندیشـه‌های او ظرفیـت خوانش توتالیتر را دارد، در حالی که اتفاقاً این نوع خوانش را خود اینها باب کردند و در اندیشه‌های‌شان خوانش‌هـای توتالیتری وجـود دارد. اصلاح‌طلبان این قرائت را داشتند که شریعتی ناقد دموکراسی لیبرال بوده و خواهان نوعی دموکراسی هدایت شده و متعهد است و لذا سوءاستفاده‌ای که التقاطی‌ها و لیبرال‌ها و امثالهم می‌خواهند از شریعتی بکنند، غلط است و شریعتی در واقع همخوان با گرایش عام انقلاب اسـت که به سوی نوعـی رهبری عقیدتی و نظام هدایتی حرکت می‌کند. بعدها که خـود همین اصلاح‌طلب‌ها لیبرال شـدند و می‌خواسـتند با نظام، تسویه‌حسـاب کنند، به شـکل نمادین با شریعتی تسویه‌حساب کردند.[۲]

غربگرایانی که دیگر نمی‌خواهند در برابر اسـتکبار ایسـتادگی کنند تـلاش می‌کنند شـریعتی تنها یک نوسـتالژی باشد تا مبادا خوانش توتالیتر (شما بخوانید انقلابی!) از شـریعتی صورت گیرد، حال آنکه اندیشـه معطوف به عمل و تغییر در شریعتی به ناگزیر وی را در برابر هر چیزی قرار می‌دهد که یا نسبت به واقعیت‌های زندگی انسان‌ها و دردها و غم‌های محسوس آنها بی‌تفاوت است یا خود را از مسؤولیت تغییر این وضعیت‌ها معاف کرده است. شریعتی در پازل «جامعه‌شناسی اعتراض» نمی‌تواند در برابر ظلم و مستکبر ساکت و بی‌تفاوت باشد و تمام تلاشـش «تغییر وضع موجود» به سـمت وضع مطلوب، با فریاد عدالتخواهانه و در برابر اسـتکبار است و به همین خاطر است که در نظرگاه شریعتی ابوذر در مقایسه با بسیاری دیگر از افراد ارج و قرب پیدا می‌کند.

تفاوت شـریعتی با روشنفکرنمایانی که در حلقه‌های خود پوپر را نشـخوار می‌کردند و بی‌مسؤولیتی را نسخه می‌گرفتند در تعهد و مسؤولیت نسبت به جامعه و زمانه خود بود. به تعبیر دکتر شریعتی: «کار روشنفکر فهمیدن این ۲ مساله است. او با دیدی که پیدا می‌کند، به ما می‌گوید که چه باید کرد. روشنفکر نه فیلسوف است، نه دانشمند، نه نویسنده و هنرمند. روشنفکر، متعصب خودآگاهی است که روح زمان و نیاز جامعه‌اش را حس می‌کند و بینش و جهت‌یابی و رهبری فکری را داراست».[۳]

شـریعتی با همین توان به علم پوزیتیویسـتی که مدعـای بی‌طرفـی دارد می‌تازد و قرن بیسـتم را قرن انحطاط بزرگ می‌داند: «هوشیارانه و رندانه، قدرت‌های زرپرسـت و زورپرست، اندیشـه‌های علمی و نبوغ‌های علمی را هم وادار کرده‌اند که بدین طرز تفکر و نظریه‌ای که برای آن قدرت‌ها مفید اسـت و منافع آنها را تأمین می‌کنـد، تمکین کنند که «عالم و علـم باید بی‌طرف باشـد». این بزرگ‌ترین فاجعه قرن بیسـتم اسـت». شـریعتی علم بی‌طرفی را که تنها رسالت خود را بیان «چه هست» و «واقعیت خارجی» می‌داند، مزدور و ابزار و برده زر و زور به حساب می‌آورد. شریعتی علم در این وضعیت را در خدمت سـرمایه‌داری تحلیل می‌کند و از ازدواج علم با پول سـخن می‌گوید کـه در این ازدواج، صاحبخانـه، پول و نفقه‌خور، علم اسـت.[۴] در این نگاه عالمی که تنها در برابر «هست»ها بگوید و نسخه‌ای برای تغییر آنها نداشته باشد بی‌ارزش است، چنانکه در نظرگاه خود فیلسوفانی را که تنها به شناخت واقعیت خارجی اکتفا می‌کردند، با تندترین عبارت‌ها همچون «فلاسفه چهره‌های پفیوز تاریخند»[۵] نواخته بود. شـریعتی این جامعه‌شناسی استعماری که تلاشش اثبات هست‌های جهانی و به تعبیری بی‌تفاوتی نسبت به ظلم مستکبران اسـت، از بمب اتم بدتر می‌داند و می‌گوید: «از بمب اتم بدتر، جامعه‌شناسـی است. بمب اتم ملت‌ها و بخشی از انسـان‌ها را نابود می‌کند و جامعه‌شـناس استعماری، جامعه را. این جامعه‌شناسـی و روانشناسـی است که استعمار را این‌همه نیرومند کرد».[۶]

اینها مرز کسـانی اسـت که اپورتونیستی به سمت شـریعتی می‌آمدند و در دهه‌ای به واسـطه مقبولیت اجتماعی شـریعتی تلاش داشـتند خـود را زیر لوای او مخفی کننـد و در دهه‌ای دیگر در تضاد با اندیشـه متعهدانه شـریعتی در کوس بی‌تفاوتـی دمیده بودند. کسانی که در نگاه شریعتی هیچگاه رهبری نهضت‌های انقلابی و ضداسـتعماری را هم بر عهده نداشته‌اند. چه آنکـه در نـگاه او رهبـران اغلب جنبش‌هـای مترقی و جوشـان در دنیـا، جنبش‌هـای ضداسـتعماری و آزادی‌بخش، روشنفکران انقلابی و غیرآکادمیک بودند. و البته باید هم اینگونه باشد، به‌دلیل اینکه تقریبا هیچکدام از رهبـران انقلاب‌های بزرگ در آفریقا، آمریکای لاتین و آسـیا، تحصیلکرده‌های رسمی دانشـگاهی نبودند، زیرا روشـنفکرانی که مورد نظرند و می‌توانند توده‌ها را برآشوبند و مسیر تاریخ را تغییر دهند، وارثان «گالیله»، «کوپرنیک» و «ارسـطو» نیستند، بلکه کسانی بوده‌اند که به‌دنبال الگوهای پیامبران و رهبران بزرگ تاریخ‌ساز و مردمی بوده‌اند[۷] و در طرف مقابل شـریعتی انگشت اتهام را اتفاقا به سـوی جماعت تحصیلکـرده و فرنگ رفته می‌برد و می‌گوید: «این یک مسـاله ذوقی نیست که بگویید من آخوند دوسـت دارم، من آخوند دوست ندارم، این یک مسـاله عینی و تاریخی است؛ باید سند نشـان دهید و مدرک. تا آنجا که من می‌دانم، زیر تمام قراردادهای استعماری را کسـانی که امضا گذاشته‌اند، همگـی از میان ما تحصیلکرده‌هـای دکتر، مهندس و لیسانسـیه بوده‌اند و همین ما از فرنگ برگشته‌ها. یک آخوند، یک از نجف برگشـته، اگر امضایش بود، من هم مثل شما اعلام می‌کنم که آخوند دوست ندارم! اما از آن طرف، پیشاپیش هر نهضت ضداستعماری و هر جنبش انقلابی و مترقی، چهره یک یا چند آخوند را در این یک قرن می‌بینم. از سیدجمال بگیر و میرزاحسن شیرازی و بشمار تا مشروطه و...»[۸]

شریعتی می‌فهمد که یک سوی این میدان تقلید و بی‌فکری و وادادگی ایستاده است و می‌گوید روشنفکری ما باید بفهمد که روح غالب بر فرهنگش اسلام است[۹] و خودش قبل از هرکس این را فهمیده، اگرچه به‌اصطلاح روشنفکر امروزی، این را نمی‌فهمد و گمان دارد افق ما همان دموکراسی و حقوق‌بشر و جامعه مدنی است.

جریان فرصت‌طلبی که تلاش دارد شریعتی را تنها در قاب عکس نگـه دارد و با آن عکس یادگاری بگیرد، شریعتی را بعد از یک فرآیند پاستوریزه کردن به جامعه عرضه می‌کند، حال آنکه شـریعتی بدون روتوش حتی در مسـاله «حقوق‌بشـر» نیز با آنها اختلاف نظر جدی دارد، آنهایی که امـروز غرب را آمال خود می‌دانند و در برابر اقدامات ضدبشـری غرب سکوت می‌کنند معمولا این جمله‌های شریعتی را که «اگر به حقوق‌بشر(غربی) قائل باشیم به رکود و حتی قهقرا و انحراف می‌افتیم»[۱۰] سانسـور می‌کنند. اینجا نیز شـریعتی از منظر اندیشه معطوف به عمل یک روشنفکر متعهد باید نگریسته شود که منشور حقوق‌بشـری که افراد را به «سازش با همه چیز» دعوت می‌کند، قهقرا و انحراف است.

شریعتی با این تاخت و تازی که نسبت به بی‌تفاوتی جامعه‌شناسـی و بی‌تعهدی جریان روشنفکری دارد در واقع حیثیت روشـنفکری خودباخته را در بوته نقادی می‌کشاند و امثال سروش را که پایین بودن فهم مردم را علت مطرح نبودن دموکراسی و حقوق بشر در شعارهای انقلابی می‌دانند مورد تاخت و تاز قرار می‌دهد. سروش در گفت‌وگـو با اقبال مدعی می‌شـود: «غنای ذهنی و مفهومـی و فرهنگی ما از چیزهایی چون دموکراسـی و آزادی و حقوق بشـر و امثال اینهـا در ابتدای انقلاب کافی نبوده و همین اجازه نمی‌داد که از آن ابتدا مطالبه دموکراسی در صدر مطالبات قرار بگیرد».[۱۱]

شـریعتی البته تنها به مبارزه برای تغییر بسـنده نمی‌کرد و این تنها محل چالشـش با امثال تقی‌زاده و فرزندان معنـوی‌اش در حلقه‌های کیان، مشـارکت و مجاهدیـن و... نبود. او در نوع دموکراسـی هم اختلاف دارد. مرحوم شـریعتی دموکراسی مطلق و بی‌هدف را نمی‌خواسـت و حرف از دموکراسـی متعهد[۱۲] می‌زد و می‌گفت: فلسـفه سیاسـی و شـکل رژیم [در امت] نـه «دموکراسـی رأس‌هـا» و «لیبرالیسـم بی‌هدف بی‌مسؤولیت» [...] بلکه مبتنی است بر «اصالت رهبری». رهبری متعهد انقلابی.[۱۳] اختلافی که با نوادگان داخلی پوپر و تئوریسـین‌های اصلاحات بسـیار عمیق است، کسانی که برخلاف شریعتی «تئوری ولایت فقیه را عین اسـتبداد دینی می‌دانند که با آن اصولا نمی‌توان نظم دموکراتیک به وجود آورد».[۱۴]

چالش دکتر شریعتی و جریان پوپری دهه ۸۰ تنها در بعـد مواجهه با غرب و تمدن غرب نیسـت، بلکه در مساله چگونگی ساخت جامعه هم هست. جریان ارتجاع پوپری شریعتی را احتمالا عنصری غیرپاستوریزه و آلوده می‌دانـد چون هدفـی متعهدانـه دارد و تلاش و جهاد می‌کند، آرمانی دارد و جامعه آرمانی شریعتی، «جامعه‌ای «برادر»وار اسـت که در آن می‌شود آزاد زیست و از شر اختلاف و جنگ تمام‌نشـدنی بین انسان‌ها در امان بود. اگرچـه دکتر می‌دانـد که چنین زمانه‌ای فرامی‌رسـد و سرنوشـت جبـری تاریخ، پیروزی عدالت و قسـط و حقیقت خواهد بـود».[۱۵] اما برای زمان غیبت هم باید کاری کـرد و «باید به فکری که جنبه عملی دارد تکیه فکری بکنیم».[۱۶] باید «به خویشـتن اصیل و انسانی و احیای ارزش‌های فرهنگی و فکری سـازنده و مترقی و آگاهی‌بخش خود بازگردیم».[۱۷] دکتر معتقد است «در زمان غیبت امام معصوم حکومت‌هایی که شیعه می‌تواند بپذیرد حکومت‌هایی هستند که به نیابت از امام شیعی و براساس همان ضوابط و همان راه و همان هدف بر مردم حکومت می‌کنند».[۱۸]

امـا جریـان اداده و غربگرا معتقد اسـت «جامعه مسلمان می‌تواند هر حکومت بی‌ربط با دین را بپذیرد و می‌گویند: اینکه ملتی متشکل از مسلمانان باشد[...] بدین معنا نیست که نظام سیاسی آنها حتماً باید یک «نظام سیاسی دینی» باشد».[۱۹]

اختلاف شـریعتی با این جماعت فرصت‌طلب و غیراصولی که عمق فکری‌شـان تنها در بلغور کردن پوپر و چند غربی دیگر اسـت، بیش از اینهایی است که گفته شـد اما آنچه به عنـوان جان کلام می‌توان گفت همان «اندیشه معطوف به عمل» و «روشنفکری متعهدانه»ای اسـت که در شریعتی هست و در آنها نیسـت. دردناک آن است که این جریان نه‌تنها خود تلاشی به کسب تعهد نمی‌کند، بلکه با تفاسیر معلول و ناقـص از شـریعتی تـلاش دارد او را نیز بی‌تعهد و غیراستکبارستیز جلوه‌دهد.

پی‌نوشت

۱- مجموعه آثار علی شریعتی، جلد ۲۰، ص۲۸۷
۲- مصاحبه با مجله یادآور، شماره ۶ و۷ و ۸ (ویژه‌نامه فرقان)
۳- مجموعه آثار علی شریعتی، ج۴، ص۳۱
۴- علی شریعتی، نیازهای انسان امروز؛ بخش ۲
۵- علی شریعتی، انسان و اسلام، ص ۱۸۱
۶- مجموعه آثار علی شریعتی، ج۲۹، ص۳۹۷
۷- حسن رحیم‌پورازغدی/ طرحی برای فردا
۸- مجموعه آثار علی شریعتی، ج ۲۲/ ۳۲۲ـ ۳۲۰
۹- همان، ج۲۰، ص۲۸۵
۱۰- همان، ج ۳۵، دفتراول، ص۲۳۵
۱۱- سروش/ گفت‌وگو با اقبال
۱۲- مجموعه آثار علی شریعتی، ج ۲۶، ص۴۷۶
۱۳- همان، ج۱۶، ص۷۲
۱۴- سروش/ حذف اختیارات ولی فقیه با رفراندوم
۱۵- مجموعه آثار علی شریعتی، ج۱۶، ص۶۲
۱۶- همان، ج۱۷، صص۱۶۶
۱۷- همان، ج۵، ص۱۱۳
۱۸- همان، ج۹، ص۲۱۳
۱۹- شبستری/ مصاحبه با قرائت

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای
شماره مناقصه: ۳۷-۰۲-۹۵/۰۳

نام مناقصه گذار: صنایع شهید باقری
موضوع مناقصه: بلبرینگ SKF - ۵۱۱۰۱ به تعداد ۴۶۰۰ عدد
نوع مناقصه: مناقصه عمومی یک مرحله ای
تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت نامه بانکی معادل ۵ درصد مبلغ پیشنهادی
مهلت دریافت اسناد: ۳ روز کاری پس از انتشار نوبت دوم آگهی (نوبت دوم ۹۵/۰۳/۳۰)
آخرین مهلت دریافت اسناد و مدارک: ۹۵/۰۴/۰۲
تاریخ بازگشایی پاکات الف وب و ج: ۹۵/۰۴/۱۳
محل تحویل و دریافت اسناد و مدارک: تهران- کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج- روبروی سه راه داروپخش- صنایع شهید باقری- معاونت بازرگانی تلفن: ۴۴۹۸۶۳۵۰
هزینه چاپ آگهی بعهده برنده مناقصه خواهد بود.

م الف ۸۶۰